



کودتای ۲۸ مرداد در واقع چند هدف و پیامد کوتاه مدت و بلند مدت داشت. ضمن اینکه شواهد

و اسناد گواه بر یک کودتای تمام عیار نظامی آمریکایی و انگلیسی جهت تأمین منافع آنان است. اما ناخوسته کودتا، زمینه برای تقویت و استقرار یک «استبداد» را در سیاست ایران فراهم کرد. بنابراین کودتا ضمن تأمین منافع کشورهای صاحب منافع، در بلند مدت توانست یک رژیم مستبد را بر جامعه حاکم کند. در واقع تاکتیکهای کودتای ۲۸ مرداد، همان توپهای بود که توسط لیاخوف (به فرمان محمدعلی شاه) به خانه مشروطه روانه شد. اما آن توپها استبداد صغیر را به همراه داشت. در حالیکه کودتای ۲۸ مرداد (در ادامه)، موجبات استیلای یک استبداد تمام عیار بلند مدت را فراهم کرد. هدف مشخص (بنیادین) محمدعلی شاه، برانداختن نظام مشروطه بود که در نطفه منتهی شد. در حالیکه محمدرضا پهلوی در کودتای ۲۸ مرداد، اگرچه هدف مشخص بلند مدتی نداشت، اما با اعمال اهداف عوامل آمریکایی – انگلیسی، خود توانست زمینه تحقق نه یک دیکتاتوری (به معنای اروپایی)، بلکه یک استبداد کامل را فراهم آورد.

کودتای ۲۸ مرداد در واقع چند هدف و پیامد کوتاه مدت و بلند مدت داشت. ضمن اینکه شواهد و اسناد گواه بر یک کودتای تمام عیار نظامی آمریکایی و انگلیسی جهت تأمین منافع آنان است. اما ناخوسته کودتا، زمینه برای تقویت و استقرار یک «استبداد» را در سیاست ایران فراهم کرد. بنابراین کودتا ضمن تأمین منافع کشورهای صاحب منافع، در بلند مدت توانست یک رژیم مستبد را بر جامعه حاکم کند.

یکی از مهمترین پیامدها (نه اهداف)، کودتای ۲۸ مرداد، تضعیف مشروطیت، مبنای و نهادهای نظام مشروطه و سپس استقرار یک رژیم مستبدانه بود. در واقع کودتای نظامی ۲۸ مرداد، مانند توپ بستن مجلس (دوم) توسط کلنل ولادیمیر پلاتونویچ لیاخوف فرمانده روسی بریگاد قزاق ایران، به دستور محمدعلی شاه قاجار بود که «استبداد صغیر» را به همراه داشت؛ استبدادی که البته یکسال بیشتر به طول نینجامید. اما استبداد برآمده از کودتای ۲۸ مرداد از لحاظ زمانی و محتوایی، از تأثیر و عمق بیشتری در تاریخ ایران برخوردار بود.

گرچه نظام استبدادی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ به شکل تدریجی شکل گرفت. اما وقوع کودتا، برای استقرار و سپس تثبیت آن نقش کاملاً مؤثری داشت؛ زیرا در مشروطه، اصل بر این بود که شاه در امر حکومت وارد نشود. مظفالدین شاه قاجار در روز ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ در بستر بیماری فرمان مشروطیت را که منضم ترتیبات تشکیل مجلس بود، امضاء کرد و روز چهارده مهرماه همین سال اولین دوره مجلس شورای ملی در حضور شاه افتتاح شد. مظفالدین شاه نخستین قانون اساسی ایران را که در دوره اول مجلس تنظیم شده بود، روز هفتم دی ماه ۱۲۸۵ امضاء کرد و چهار روز بعد درگذشت. بحث برسر این است که فرمان شاه در قلمرو مشروطه چه معنا و مفهومی دارد. او در واقع در تمامی مراحل تنها و تنها به قانون تمکین کرد و به امضاء و توشیح آن پرداخت. مجلس ملی هم وظیفه خود را مصروف تدوین و تنظیم سند نهایی موسوم به متمم قانون اساسی نمودند. شاه جدید (محمدعلی شاه) ابتدا از تأیید متمم قانون اساسی امتناع، اما چون با اعتراض ملت مواجه شد، عقب نشینی کرد و در مجلس ملی حضور یافت؛ عهد کرد به قانون اساسی احترام گذارد. سپس مهر سلطنتی را به متمم قانون اساس زد (آن را توشیح کرد). بعد از توشیح نمودن، محمدعلی شاه نه سیاست مدار و نه تبعید در دانا، عاقبت اندیش بود. دکتر مصدق معتقد بود

پس از نایب السلطنه ناصرالملک، خود احمدشاه در تیر ۱۲۹۳ به مقام سلطنت رسید. باز عزل و نصب وزیر بر اساس سنت مشروطه اداره می‌شد؛ یعنی مجلس حق عزل و نصب وزیر را داشت و شاه تنها توشیح می‌نمود. تنها در دو مورد استثنایی احمدشاه یکی پیششاه عزل و دیگری حکم به نصب داد. یکی در زمان فترت مجلس (سوم) که مصمص اسلطنه بختیاری رییس الوزرا بود و شاه در نبود مجلس در اثر فشار سفارت انگلیس جهت انعقاد فراد ۱۹۱۹ ، ونوق را رییس الوزرا کرد (برای مصمص هم حکم عزل صادر نشد). بین مجلس سوم و چهارم مصمص و بخشی از جامعه (به ویژه پس از انعقاد فرداد) نه و شوق بلکه مصمص را ریس الوزرای قانونی می‌دانستند. گرچه ششاه از این عمل خود بعدها پشیمان گشت. باز در فرودین ۱۳۰۳ زمانی که شاه پاریس بود، تلگرافی به مجلس مبنی براینکه رأی تمایل مجلس به رییس الوزرابی معتمدتر داده شود (رییس الوزرا رضاخان بود)، مجلس در پاسخ او چنین گفت: «بر طبق مقررات قانون اساسی حق انعزال و سقوط هر دولتی با مجلس شورای ملی است فعلاً از نقله نظر تمایل نمایندگان هیأت دولت وقت در پارلمان حائز اکثریتی می‌باشد» (شفق سرخ شماره ۳۲۹ به نقل از دادگاه تجدید نظر دکتر مصدق). با آغاز سلطنت پهلوی گرچه در ابتدا سعی بر تظاهر به ظاهر مشروطه بود. اما در ادامه کاملاً با سیره نظام استبدادی و کنار نهادن قانون اساسی و مشروطه به ویژه در حق انتخاب وزیراً (عزل و نصب) آنها مواجه هستیم. در مجلس ششم و مجلس هفتم نخست مستوفی الممالک، سپس مخربرسلطنه هدایت، با ابراز اعتماد ا تمایل صوری اقدام به تشکیل دولت نمودند. اما از آبان ۱۳۰۷ تا شهریور ۱۳۲۰، حتی همان ابراز تمایل صوری در مجلس ملی نیز رعایت نشد و شاه خود مستقیماً اقدام به عزل و نصب وزیراً پرداخت. او رسماً مجلس ملی (مشروطه) را «طویل» و دولت را «الت فعل» می‌دانست.

اما پس از شهرپور بیست، فروغی توسط رضا شاه به نخست وزیر منصوب می‌شود. مجلس به او رأی اعتماد داد. اما دیری نپایید که همان فروغی مجدداً تقاضای رأی اعتماد از مجلس کرد و به علت قلت رأی، استعفاً داد. از این تاریخ بعد ما شاهد استقرار قانون اساسی مشروطه در انتخاب، عزل و نصب وزیراً هستیم. تنها جهت پیشبرد فراداد الحاقی نفت، دولتی محلی را تعیین کردند که کمی به اوضاع تلطیف دهد. "منصوب" بدون هیچ سنت پارلمانی رأی اعتمادی از مجلسین نگرفت و شاه تعطیلات نوروزی (نبود نمایندگان در صحن مجلس!) را مستمسک انتخاب غیر قانونی منصور قرار داد (منصور فرودین تا تیر ۲۹). مخالفت با این سنت شکنی در مجلس بالا گرفت که عمر این دولت به سه ماه بیشتر نینجامید. باز شاه برای پیشبرد فرداد گس – گلشایبان، چون جو مجلس را متشنج می‌دید، به ناگزیر بدون اخذ رأی اعتماد از مجلسین باز رزم را را نخست وزیر اعلام کرد. جالب این است که منصور ابتدا از دادن استعفا سر باز زد، اما بقول دکتر مصدق در مجلس (نیز بعدها دادگاه) چون لوجج نبود، به سفارتی قناعت کرد! در دوره ده ساله نخست سلطنت پهلوم دوم، به رغم تمام بحران‌های داخلی و خارجی، هفده دولت بر رأس کار آمدند که غیر از دو سنت شکنی و تخطی از قانون اساسی، جنگلی مطابق با سنت پارلمانی عزل و نصب شدند. پس از رزم آره، حسین علاءنخست وزیر شد که او هم جنبه دولت محلل را داشت. ولی عمرش به ۴۶ روز نرسید. اما شاید نقطه عطف مشروطه در مجلس شورای ملی، زمانی بود که به محمد مصدق در هفت اردیبهشت ۱۳۳۰ بدون اطلاع قبلی دربار آا، در مجلس به وی پیشنهاد نخست وزیری داده می‌شود که ایشان قبول این پیشنهاد را مشروط بر تصویب لایحه نه ساده ای کرد که هم خود لایحه و هم دکتر مصدق با رأی بسیار رأی در مجموع بود. ۲۹ رأی در مجلس (سنای) و در مجلس سنا از مجموع ۴۳ سناتور، ۲۹ نفر به وی رأی دادند.

نگاهی به اهداف و پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد

«کودتا علیه مشروطه»، توپ‌های ناوارون در ماه اوت!



طرفداران شاه در روز ۲۸ مرداد خیابان‌های تهران را قرق کرده بودند عکس: گاردین

از مشروطه داشتند، اما این بار فقط دربار مدعی ملوکیت آن نبود، که مجلس نیز دولت را مجری قانون که مجری منویات مجلس می‌دانست. دولت را نه یک قدرت (قوه) که یک دستگاه اداری معمول قلمداد می‌کردند که باید گوش به فرمان باشد. گاهی گوش به فرمان مجلس، گاهی به فرمان اعلی حضرت همایونی. این نقش تنها در گفتن مشروطیت نبود که در خود قانون چنین کمبودهایی نیز دیده می‌شد.

کودتای ۲۸ مرداد، تنها براندازی دولت مصدق نبود، بلکه ترتیب عزل و نصب وزیراً را دگرگون کرد، در نتیجه معنا و جایگاه «دولت» کاملاً تحت شعاع قرار گرفت. همچنین استقلال دو قوه مهم مشروطه یعنی مجلس و دولت مخدوش شد.

کار بدانجا رسید که خود محمدرضا پهلوی پس از ۷۲ سال از پیدایی مشروطه و گذشت ۲۵ سال از کودتای ۲۸ مرداد، در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ با تأکید بر اینکه «حکومت قانون» را مستقر خواهد کرد، به سر خوان اول یعنی تحقق آرمانهای انقلاب مشروطه که یکی از اهداف آن برپایی "قانون" بود، آمد و به طور ضمنی سخن از عدم اجرای قانون اساسی و استیلای استبداد در دوره زمامداری خویش نمود، وعده اجرای تمام و کمال قانون اساسی مشروطه را داد، او گفت: «قانون اساسی که خونبهای انقلاب مشروطیت است، بصورت کامل به مرحله اجرا در آید. من نیز پیام انقلاب شمای ملت ایران را شنیدم. من حافظ سلطنت مشروطه که موهبتی است الهی که از طرف ملت به پادشاه تفویض شده هستم و آنچه را که شما برای بدست آوردن قربانی داده اید، تضمین می‌کنم، که حکومت ایران در آینده بر اساس "قانون اساسی"، عدالت اجتماعی و اراده ملی و بدور از "استبداد" ظلم و فساد خواهد بود.»

در واقع تاکتیکهای کودتای ۲۸ مرداد، همان توپهایی بود که توسط لیاخوف (به فرمان محمدعلی شاه) به خانه مشروطه روانه شد. اما آن توپها استبداد صغیر را به همراه داشت. در حالیکه کودتای ۲۸ مرداد (در ادامه)، موجبات استیلای یک استبداد تمام عیار بلند مدت را فراهم کرد. هدف مشخص (بنیادین) محمدعلی شاه، برانداختن نظام مشروطه بود که در نطفه منتهی شد. در حالیکه محمدرضا پهلوی در کودتای ۲۸ مرداد، اگرچه هدف مشخص بلند مدتی نداشت، اما با اعمال اهداف عوامل آمریکایی – انگلیسی، خود توانست



مهاجمان به دفاتر روزنامه‌های حامی مصدق حمله کردند و آنها را به آتش کشیدند. در عکس دفتر روزنامه باختر امروز منتقل به حسین فاطمی وزیر خارجه مصدق مورد تجاوز قرار گرفت است عکس: گاردین

زمینه تحقق نه یک دیکتاتوری (به معنای اروپایی)، بلکه یک استبداد کامل را فراهم آورد.

پیوهوشگر تاریخ معاصر منبع: پیام ابراهیم

نکاه

نگاهی به اندیشه‌های مصدق؛ ۶۹ سال

پس از ۲۸ مرداد



در اواخر دهه بیست خورشیدی، در پی استعفای حسین علاه از نخست وزیری، **ضیامصباح** ♦ جمال امامی نماینده مجلس، پیشنهاد کرد ♦ مصدق نخست وزیری را بپذیرد. مصدق به شرط تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و آزادی در اجرای آن نخست وزیری را پذیرفت. این پیشنهاد با کسب ۷۹ رأی موافق در برابر ۱۲ رأی مخالف تصویب شد و همان روز مجلس به قانون ملی کردن شرکت نفت رأی مثبت داد. از همان آغاز نخست وزیری شادروان مصدق دسیسه‌ها و تحریکات انگلستان علیه مصدق شدت گرفت و در نهایت منجر به کودتای ۲۸ مرداد شد.

در رابطه با اندیشه‌ها و برنامه‌های مصدق بطور فهرست وار مروری بر برخی نکات خالی از لطف نیست:

اعتقاد به دموکراسی و حقوق ملت به ترتیبی که در انقلاب مشروطیت تدوین گردید نمی‌تواند از مجموعه مکتب او تفکیک شود . در واقع نهضت ملی از نظر تاریخی دنباله ی نهضت مشروطیت محسوب می‌شود . تأیید مبارزات این چهره ملی بدون توجه یا قبول این بعد از اعتقادات و منش او قضاوتی نادرست نسبت به تاریخ مبارزات نهضت ملی ایران است.

«مقایسه ای پرسش گونه» که تا حدودی میتواند ویژگیهای چهره مصدق را در رابطه با نیاز نسل جوان –هرچند مختصر– لازم بنظر میرسد :

آیا مصدق بدون در آمد نفت با فروش اوراق قرضه، کشور را در دوران سخت آن روزگار و با تدبیر اداره نکرد؟

آیا کوچکترین سوء استفاده «از قدرت و امکانات» در دوران نخست وزیری

نبنیان گذار «جنبش عدم تعهد» وجود داشت؟

آیا با برگزاری یا مراجعه علنی به آراء عمومی، انتخابات و مطبوعاتی آزادتر از دوران زمامداری وی سراغ دارید؟

آیا کابینه ای متخصص و تحصیل کرده، وطن خواه، نیک پندار، منزه و پاکیزه دست تر از دولت ملی او در تاریخ معاصر وطنمان وجود داشته؟

برای مصدق استقلال و آزادی دو روی یک سکه و معتقد بودند هیچ ملتی بدون برخورداری از آزادی قادر به حفظ استقلال کشورش نخواهد بود و در نبود استقلال و نا وابستگی آزادی در کشور تحقق نمی‌یابد.

آزادی انتخابات را برای رسیدن به حاکمیت ملی عنوان می‌کرد و ملی کردن صنعت نفت را برای کوتاه کردن دست وابستگان داخلی استعمارگران عملی ساخت.

بررسی تاریخ سیاسی صد ساله اخیر کشورمان نشان می‌دهد بدون افراف اثرگذارترین چهره در زمینه آشنا ساختن مردم به حقوق خود شادروان مصدق است که با حضور فعال توده مردم و تکیه بر نظر آنان از پایه گذاران دمکراسی در منطقه بشمار میرود.

این چهره ماندگار برنامه‌های مناسب برای آینده این مرز و بوم را که کماکان در پی آن مانده ایم در آن زمان بصراحت مطرح ساخت:

«استقرار حکومت بر مبنای قانون اساسی که دولت خود را ملزم به رعایت

آن می‌دانست و میراث مشروطیت ایران شناخته میشد .

♦ برنامه ریزی در چارچوب ضوابط مدون علمی در دسترس .

♦ مبارزه برای ایجاد موازنه منفی در روابط بین‌المللی که در آن زمان نتیجه مطلوب را همراه داشت.

♦ حرکت در جهت رشد، توسعه صنعتی و اقتصادی برای فراهم سازی بستر مناسب سرمایه گذاری ملی که توانمند شدن را همراه و طبقات اجتماعی را به همکاری، یوپایی، خلاقیت و احساس مسئولیت تشویق میکند .

♦ بیمه‌های اجتماعی یعنی تأمین امنیت شغلی برای نیروی کار، توسعه عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر و تفاوت شدید طبقاتی.

♦ تشویق به حضور سیاسی و اجتماعی شکل‌های مردمی و مشارکت واقعی و جدی مردم در اداره امور کشورشان و آزادی مطبوعات و رسانه‌ها با تعریف آن زمانآنچه که هنوز با گذشت هفت دهه در اول وصف آن مانده ایم.
♦ «از همه مهمتر مصدق تلاش برای ملی کردن صنعت نفت را در مسیر نجات منابع کشور و در تعقیب آن استقلال واقعی را با جلوگیری از غارت منابع ملی بوسیله بیگانگان، اساس مبارزات قانونی خود قرار داد .

«مصدق، نماینده کردن نظام پارلمانی از طریق حرکت گام به گام در مواجهه با استبداد سیاسی با برگزاری انتخاباتی سالم و بدون دخالت دربار و دول خارجی، گزینش و پیشنهاد بهترین‌ها برای داوطلبی مجلس شورای ملی، برنامه ریزی در مسیر توسعه و رشد اقتصادی کشور، رویکرد فعال در عرصه سیاست گذاری اجتماعی و...» را مهمترین برنامه‌های دوران زمامداری خود میدانست و باور داشت: «در کشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراده ملت نیست. قانون برای مملکت است، نه مملکت برای قانون نجات وطن عالیترین و بزرگ‌ترین قانون است. قانون اساسی، الهی نیست که قابل تغییر نباشد، کار بشر است و می‌شود آن را تغییر داد. ما حرف حق را می‌زنیم. این صدای ما یک روز برای این «گوش‌نواز» و برای آن «گوش‌خراش «است و روز دیگر باالعکس ، نباید خاموش شویم. پس از ۵۰ سال مطالعه و تجربه به این نتیجه رسیدیم که جز با تأمین آزادی و استقلال کامل ممکن نیست ملت ایران بر مشکلات پیروز شود، برای نیل به این منظور تا آن‌جا که توانستم کوشیدم.»

مصدق در اوج فشار اقتصادی حاضر به مصالحه نشد و هنگامی که سخن از قراردادهای یکطرفه به میان آمد صریحاً موضع‌گیری کرد و گفت: «با وجود تمام مشکلات اقتصادی و مالی، ملت حاضر به قبول شرایط ناورا که به استقلال سیاسی یا اقتصادی یا حیثیت و شرافت ملت لطمه وارد سازد تن در نخواهد داد . یک اصل ثابت و تغییرناپذیر برای حکومتی که به افکار عمومی تکیه دارد، این است که هر وقت با مشکلی روبرو می‌شود به منبع قدرت و سرچشمه لایزال نیروی ملت متوجه می‌گردد، ملت ما اکنون زبانزد شهامت و مردانگی شده و از او به عنوان مشعل دار مبارزات ملی یاد می‌کنند.»

این روزگرمرد با آنکه، به افکار عمومی و بدون آنکه هیچ قدرت سلزمانی در پشت سر او باشد با استفاده از شرایط سیاسی بین‌المللی که بر اثر تضادهای ابرقدرت‌ها و کشورهای بزرگ به وجود آمده بود، در برابر حیرت و تعجب نظارتن سیاسی آگاه، مقام نخست‌وزیری را بپذیرفت و به مقابله با یکی از قدرتمندترین کشورهای صنعتی جهان رفت.

شادروان مصدق، شخصیتی فرهیخته، حقوقدان، روشنفکر، تحصیلکرده با سوابقی ارزنده و موثر برای خدمت در قامت نخستت وزیر – چون بعنوان فردی آگاه مینهن و مردم دوستی واقعی – به دنبال استقلال ایران و گرفتن حق ملت بود توسط سازمان سیا با همکاری دولت انگلیس همراه با حضور فیزیکی و عدم درک درست گروهی مزدور «بدور مانده از معنای آزادی‌ها و رعایت حقوق مردمان» با کودتایی شور آور، سرنگون شد.

مصدق در دادگاه نظامی گفت «حیات، مسال و موجودیت من و امثال من در برابر حیات، استقلال، عظمت و سرفرازی نسل‌های متوالی این مملکت

کوچک‌ترین ارششی ندارد.

از آنچه برایم پیش آمده هیچ تأسفی ندارم ، وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام دادم. عمر چند صباحی دیگر به پایان می‌رسد، آنچه می‌ماند سرفرازی است... به ملت ایران و به‌خصوص افراد جوان که چشم و چراغ مملکت و مایه امید کشورند، می‌گویم از راهی که برای طرد نفوذ بیگانگان پیش گرفته‌اند منحرف نشوند، از مشکلاتی که در پیش دارند هیچ وقت نهراسند و از راه حق و حقیقت باز نمانند. چه زنده باشم و چه ناشم امیدوارم و بلکه یقین دارم این آتش خاموش نخواهد شد... اگر قرار باشد در خیان خود آزادی عمل نداشته باشیم و بیگانگان بر ما مسلط باشند مرگ بر بیگانگان پیش گرفته‌اند منحرف نشوند، از مشکلاتی که در پیش دارند هیچ باسانی نتیجه‌گیری ترجیح دارد. هیچ مبارزهای هر چند کوچک و ناچیز باشند سعی ناکرده به‌جایی نتوان رسید.»